

یک دنیا یک دست ...



ویژه نامه ای برای گرامیداشت

زنده یاد دنیا فنی زاده

با یادداشت هایی از :

- رضا فیاضی
- حمیدرضا اردلان
- حمید مدرسی
- آزاده پورمختار
- مجید قناد
- نگار استخر
- هونم حاجی عبداللهی
- محمد رضا مالکی
- بنفسه صمدی
- محمد لقمانیان
- فروزان زاهد بیگی
- الکا هدایت
- آزاده مویدی فر
- مهران نائل
- علیرضا ناصحی

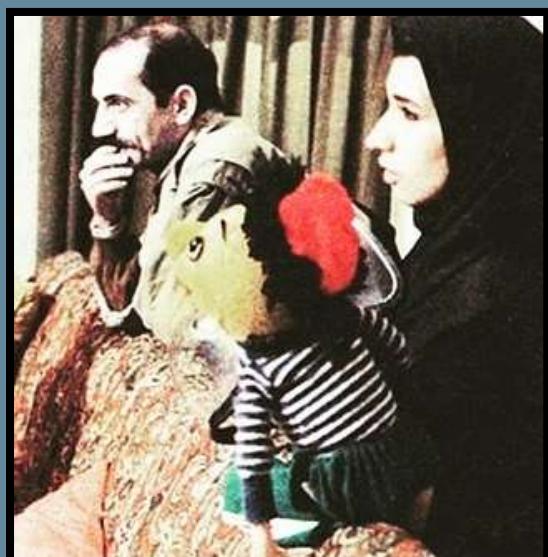
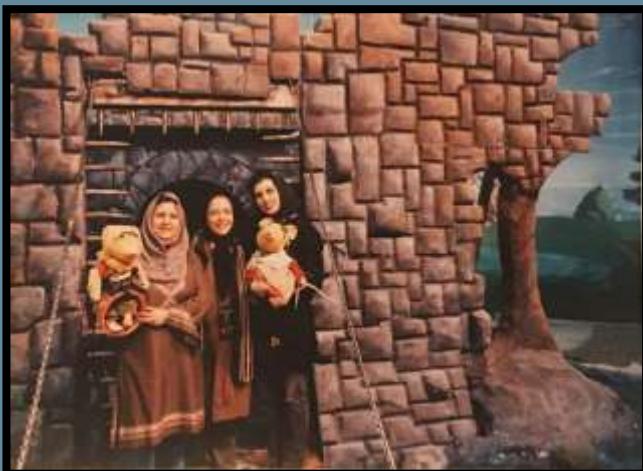
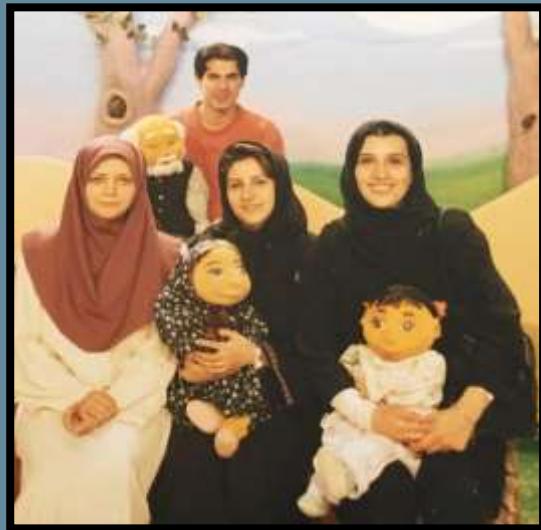


22



فهرست :

۴	سرمقاله / ساده ، تاثیرگذار ، ماندگار
۶	دکتر حمیدرضا اردلان / دنیای ساده و روش عروسک ها
۸	رضا فیاضی / دنیا از دنیای کودکان ما رفت
۱۰	پیام تسلیت حمید جبلی و ایرج طهماسب
۱۰	پیام تسلیت مرضیه برومند
۱۱	حمید مدرسی / عروسک گردن ها روح اصلی عروسک اند
۱۲	آزاده پورمختار / سقوط ستاره‌ی دنیا
۱۲	مجید قناد / معصومانه و کودکانه
۱۳	نگار استخر / صدای زندگی
۱۴	هومن حاجی عبداللهی / حال این روزهای ما
۱۵	الناز امیرخانی / برای دستانی که آینده نسل مرا ساخت
۱۷	محمد رضا مالکی / جادوی شجاعت ، لبخند و امید
۱۹	بنفسه صمدی / از رویای کودکی تا خاطرات خوش همکاری
۲۰	محمد لقمانیان / هرگز نمیرد هر آنکه زنده شد به عشق
۲۰	فروزان زاهد / تنها صدا نیست که می ماند
۲۱	الکا هدایت / خنده هایی که به عروسک ها جان می داد
۲۲	آزاده مویدی فر / دستانی مملو از روح ایثارگری
۲۳	مهران نائل / غرض نقشی است کز ما بازماند
۲۴	علیرضا ناصحی / بزرگ بود و متعهد
۲۵	عکس





"ساده ، تاثیرگذار ، ماندگار "

سرمههای

۱ - دنیا فنی زاده را دوست داشتم ، نه فقط به این خاطر که دختر پرویز فنی زاده ، بازیگر توانای تئاتر و سینما بود . دنیا فنی زاده را دوست داشتم ، نه فقط به این خاطر که عروسک گردان قدر و توانایی بود . دنیا فنی زاده را دوست داشتم ، نه فقط به این خاطر که در عروسک گردانی آثار درخشانی چون "هادی و هدی" ، "گربه آوازه خوان" ، کلاه قرمزی و ... را داشت . دنیا فنی زاده را دوست داشتم ، نه فقط به خاطر اینکه کودکی های ما و نسل های بعد از ما را زیباتر از آنچه کرد که بود .

هر یک از این موارد کفايت می کند برای اینکه کسی را دوست داشته باشی . اما من برای دوست داشتن دنیا فنی زاده یک دلیل بسیار مهم تر دارم !

دنیا فنی زاده را دوست داشتم چون همیشه بود اما هیچ وقت دیده نمی شد ! چه کسی منکر می شود که او می توانست همچون پدرش بازیگر شود ؟! می توانست در تئاتر فعالیت کند ، کار تصویر کند ، مشهور بشود ، بدرخد و مطرح شود ؟! یا مثلا کارگردانی کند ؟! یا حتی صدایپیشگی ؟! اما او هیچ کدام را انجام نمی داد . و این برای من عجیب و ستودنی است .

دیده نشدن اما تاثیرگذار بودن ، تمام آن درسی است که می توان از زندگی دنیا آموخت .

دنیا فنی زاده سال ها عروسک گردان عروسک مهمی همچون کلاه قرمزی بود ، به کلاه قرمزی جان داد و تمام توانش را در دستش ریخت و از دستش به عروسکی بی جان منتقل کرد . عروسکی که کودکانه های چند نسل را زیباتر کرد . اما هیچ وقت هیچ کس او را ندید و نشناخت و این دیده نشدن خودخواسته و تاثیرگذار بودن ، زیبا و قابل تقدیر است .

۲ - دنیا فنی زاده تا سال ها نمی گذارد فرزندانش بفهمند کلاه قرمزی عروسک گردانی دارد که مادرشان آن عروسک گردان است . می گذارد دنیای زیبای عروسک ها برای فرزندانش شکل بگیرد و رویای جهانی بهتر را در دنیای عروسک ها به تصویر بکشد . دنیا به کودکان ، به دنیا ، به رویا اهمیت می داد و می خواست حتی اگر شده اندکی ، این جهان را زیباتر کند !

۳ - حکمتش چیست نمی دانم ، اما دنیا فنی زاده به سرطان دست مبتلا شد یعنی درست آن عضوی که با آن زندگی می بخشید و روایای نسل ها را می ساخت . اما او از آزمونی این چنینی هم سربلند بیرون آمد ، کم نیاورد ، خسته نشد و حتی تا مدت ها نخواست کسی بفهمد که بیمار است و رنج می کشد . همیشه پرانرژی و خندان حضور داشت و لحظه ای عقب ننشست !

۴ - معتقدم از دنیا گفتن و برای دنیا نوشتن و به یادش بودن ، درست همین الان باید اتفاق بیفتدا دنیا فنی زاده فروتن و متواضع بود ، سال ها نخواست دیده شود ، مطرح شود و تیتر همه ای اخبار باشد . معمولی زندگی کرد ، در مقام یک همسر ، یک مادر ، یک فرزند و یک هنرمند . و حال که نیست بی انصافی و بی حرمتی است اگر سکوت کنیم و به یادش نباشیم .

بر این باور هستم که قدر همه ای انسان ها را باید در زمان حیاتشان دانست نه پس از رفتنشان . اما اصلا دلیل موجهی نیست برای اینکه بعد از رفتن عزیزی سکوت کنیم و نگوییم که بود و چه کرد تا مبادا انگ مرده پرستی بخوریم .

۵ - عده ای معتقدند که ما به عنوان رسانه در زمان حیات دنیا فنی زاده نبودیم و قدرش را ندانستیم و نگذاشتیم دیده شود و حال در وانفسای نبودنش باید سکوت اختیار کنیم ، چرا که ما (رسانه) مقصوبیم ، پس باید سرافکنده باشیم !

و من برایم سوال است که اگر دنیا فنی زاده پیش از مرگش فردی غیر از آنچه من می گوییم بود و به دنبال شهرت و مطرح شدن بود آیا نیازی به ما (رسانه) داشت ؟! آیا دختر پرویز فنی زاده بودن کم اهمیت است ؟ آیا سال ها سابقه ای فعالیت داشتن نمی تواند نگاه ها را به سمتت جذب کند و علاوه بر این ها آیا اگر به راستی دنیا فنی زاده درخواستی از کسی داشت تیمی که سال هاست با او همکاری می کنند (ایرج طهماسب و حمید جبلی) از اعتبار کمی برخوردار بودند برای مطرح کردن حرف های دنیا ؟!

و حالا که به هر دلیلی از دنیا فنی زاده کم گفته و نوشته شده است ، آیا یادش را گرامی داشتن اشتباه است ؟!

۶ - برای تهیه این پرونده سراغ بسیاری از دوستان و همکاران دنیا فنی زاده را گرفتیم . اما روزهای بعد از رفتن دنیا ، شرایط روحی بسیاری ، مساعد نوشتن نبود و ترجیح بر سکوت دادند و یا اساسا تصمیم گرفتند پاسخی به تماس های مکرر ما ندهند . عده ای به خاطر شرایط کاری و فرصت محدود برای تهیه ای ویژه نامه ، امکان نوشتن نداشتند . و البته دوستان و همکاران بسیاری ما را در تهیه ای این ویژه نامه همراهی کردند . از همه آنان که ما را همراهی کردند تا دنیا فنی زاده را گرامی داریم سپاسگزاریم و از خداوند برای آنان که در غم او از نوشتن خاطره ای هم ناتوان بودند صبر جزیل می خواهیم .

و صد البته برای روح بزرگ و مهربان دنیا ، از خداوند طلب آرامش داریم .

آمین .

سردبیر

کلاه قرمزی کیست؟ چرا به شخصیتی قابل توجه تبدیل شده است؟ چرا هرچه می کند و می گوید دلنشین است؟ زیرا دنیایی ساده و روشن دارد، ساده می اندیشد و ساده عمل می کند و مردم قبل از آنکه او بخواهد چیزی بگوید سخن‌ش در پنهان ذهن خود شنیده اند و آن سخن همان است که باید باشد، در بی امکانی تقلبِ معنا که عمل و مسولیت را تباہ می سازد. اگرچه در بیان و رفتار او تقاضاهای بعید به گوش می رسد اما سرانجام کار او در تقابل با پیچیدگی های سخن و عمل منفعت طلبانه است.

حرکات کلاه قرمزی ماخوذ از سخن اوست و رفتاری نمادین را می سازد که باز همان است که باید باشد؛ می دانیم تنها در اینچنانی تطابق ها و ستیز میان طنز و جد، راست و دروغ و سلب و ایجاب است که زمینه های ظهور شیء یا اثر فرهنگی از سطوح عامیانه تا اعلا درجه روش‌نگری فراهم می آید.

اگرچه ظهور و شکل گیری شخصیت کلاه قرمزی را باید محصول یک کوشش و کار گروهی دانست اما نقش دنیا فنی زاده در آن و نیز تاریخ تئاتر عروسکی ایران برای ابداع آثار متعدد ویژه است.





"دنبیا از دنبیا کو دکان ما رفت"

رضا فیاضی (کارگردان و بازیگر)

دنیا خیلی جوان بود ، خیلی جوان که برای سریال عروسکی که می خواستم بسازم ، به اسم "زاغچه کنگکاو" به من معرفی شد ، سال ۱۳۶۱ . بروبچه های زیادی از چهره های شاخص دور و بر من بودند که این مجموعه را بسازیم . وقتی دنیا به من معرفی شد ، دخترکی بود سبزه رو با یک چهره ای شرقی و یک لبخند معصوم و یک خال بر گونه . گفتم تو دختر استاد فنی زاده هستی ؟ گفت بله . از آنجایی که ارادت خاصی به پدرشان ، پرویز عزیز داشتم خیلی سریع پذیرفتم . خیلی سریع رفاقت و همکاری ما آغاز شد . کار کردیم ، سریال ساخته شد ، سال بعد هم ادامه اش ساخته شد و سال ها بعد از آن "هادی و هدی" را کار کردیم و باز هم دنیا در کنار ما بود .

دنیا مطرح شد به خاطر تلاشش ، به خاطر استعدادش ، به خاطر دانشی که نسبت به عرو سک ها داشت و این حرفه را دوست داشت . گمان نمی کنم جز او کسی می توانست این همه در این حرفه استمرار داشته باشد و فقط عرو سک بگرداند . من یاد ندارم که صدای پیشگی کرده باشد . من یاد ندارم به عنوان یک بازیگر حضور فیزیکی داشته باشد و به هر حال در دنیای عرو سک ها ماند ، آن ها را زنده کرد ، بهشان جان داد و عرو سک های مطرحی را هم گرداند . از جمله کلاه قرمزی .

دنیا فنی زاده با همان معصومیت از بین ما رفت . وقتی من خبر فوتش را شنیدم واقعاً شوکه شدم . نمی توانستم باور کنم . هنوز وقتی چشمم را می بندم ، آن چهره‌ی معصوم و آن لبخند معصومانه جلوی نظرم ظاهر می شود .

متاسفم ، متاسفم که این دنیاها را از دست می دهیم ، دنیا که برود ، دنیاهای دیگری هم در تهدیدند . چه از نظر معیشتی ، چه از نظر سلامتی . ما باید آن ها را دریابیم ، مسئولین باید آنها را دریابند . مسئولین به فکر زندگان باشند . مثل دنیا ما فراوان داریم . بروبچه های تئاتر ، تئاتر کودک و به خصوص تئاتر عروسکی واقعاً مظلوم اند . چون هیچ کس چهره شان را نمی بیند . آنها پشت عروسک ها پنهانند . آنها به عروسک ها جان می دهند و همین طور جان از وجودشان کنده می شود .

آنها به عروسک‌ها جان می‌دهند و همین طور جان از وجودشان کنده می‌شود. اما به هر حال من دلم می‌خواست که به این مساله بیشتر بپردازیم که هوای دنیاهای دیگر را واقعاً داشته باشیم. به هر حال بیماری هست، وجود دارد. به خصوص این بیماری سرطان که این روزها واقعاً قابل علاج است. یعنی خیلی‌ها توانسته اند جان سالم به در ببرند. چرا این بیماری گریبان این دخترک را گرفت و رهایش نکرد؟! باید به این موضوع بپردازیم. باید بررسی بشود که چرا واقعاً زمانی که دنیا می‌توانست به زندگی ادامه دهد و با عروسک‌ها یش باشد، باید برود. به نظر من رسیدن به این الگو می‌تواند به خیلی از خطرات گریبانگیر ما بپردازد. من متأسفم که دنیا از بین ما رفت. اما متأسف‌ترم که خیلی از دنیاهای دارند تضعیف می‌شوند و به خاطر شرایط زیستی و به خاطر مظلومیتی که به این عشق وارد می‌شود بیشتر ضربه می‌بینند.

ما برای سلامتی آنها باید دعا کنیم. برای رفتگان جز ابراز تاسف کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. ولی برای زندگان که می‌توانیم. برای زندگان می‌توانیم بکوشیم که دنیای بهتری فراهم کنیم. من منظورم صاحب منصبان است یعنی کسانی که سیاست این فرهنگ و هنر را در دست دارند. با اینها دارم صحبت می‌کنم. واقعاً از نظر معیشتی بتوانند به این بچه‌ها، به خصوص بچه‌هایی که پشت عروسک‌ها پنهان هستند، رسیدگی کنند. خیلی از شما عزیزان، خیلی از اسامی را نمی‌شناسید و به یاد ندارید. اسمشان مثل من و دیگرانی که شهرت دارند و چهره‌هایشان دیده می‌شود، دیده نمی‌شوند. آنها پنهانند، دیده نمی‌شوند اما هستند، وجود دارند، حضور دارند و جان می‌بخشند به دنیای کودکان. پس آنها را باید دریابیم و برای زندگان تلاش کنیم که بتوانیم شرایط بهتری فراهم کنیم.

من از همین جا از همه‌ی عزیزانی که می‌کوشند که یاد دنیا را گرامی بدارند و این اتفاقات را مطرح می‌کنند، تشکر می‌کنم. ما نباید به آدم‌ها بعد از مرگشان بپردازیم. آیا زمانی که دنیا با مرگ درگیر بود و با بیماری کلنگار می‌رفت و می‌جنگید، کسی به دنبال دنیا بود؟ کسی فهمید که دنیا دچار بیماری است؟ من که همکارش بودم صادقانه اعتراف می‌کنم که نبودم و نفهمیدم. یعنی تا زمانی که به من گفتند دنیا رفت، تازه گفتم ای داد و بیداد.

متأسفم، هم برای خودمان، هم جامعه هنری مان و هم برای صاحب منصبان. آرزو می‌کنم که شما با انعکاس این صحبت‌ها و دردها بتوانید قدمی در جهت سلامتی دیگر دنیاهای بکوشید. امیدهایی که لازم هست که بمانند و به عروسک‌ها جان بدهند و بچه‌ها را دلخوش کنند و بچه‌ها را با دنیای فانتزی عروسک‌ها و دنیای تخیل و رویاهایشان آشنا کنند. رویاهای بچه‌ها را بسازند و نگذارند بچه‌ها بی‌رویا بزرگ بشوند. چون رویا ذات کودکان است و اگر رویا را از بچه‌ها بگیریم جانشان را گرفته‌ایم. امیدوارم این رویاهای باشند و دنیاهای باشند و سلامت باشند.



پیام تسلیت حمید جبلی و ایرج طهماسب در پی درگذشت دنیا فنی زاده:

«روزی که خداوند مهربان انسان نازنینی به نام دنیا فنی زاده را سر راه ما قرار داد، تا با همکاری او عروسکی دوست داشتنی و شیرین خلق شود، فکر نمی‌کردیم به این زودی او را از دست بدیم. اما از آن جا که مالک اصلی انسان، خداوند مهربان است، اشک‌های خود را پاک می‌کنیم و به این اندوه بزرگ تسلیم می‌شویم.



اما از آن جا که مالک اصلی انسان، خداوند مهربان است، اشک‌های خود را پاک می‌کنیم و به این اندوه بزرگ تسلیم می‌شویم.

دنیا فنی زاده روش فرشته‌ها را در پیش گرفت. شریف و نجیب، با مهارتی مثال زدنی در حرفه و شغل خود و بی‌هیچ چشم داشتی کار کرد.

پشت عروسک‌ها خود را پنهان کرد تا به ما آموزش دهد که می‌توان کار خوب انجام داد و دیده نشد.

عشق عجیبی به کودکان و دنیای آن‌ها داشت و همواره لبخند کودکان او را شاداب می‌کرد. شاید هیچ کودکی او را نشناسد، اما تاثیر او بر کودکان تا مدت‌ها باقی خواهد ماند.

دنیا فنی زاده، فرزند پرویز فنی زاده همچون پدرش هنرمند، انسان و مهربان بود. هرچه درباره‌اش بگوییم بر میزان اشک‌های خود افزوده‌ایم.

روانش شاد و یادش همواره گرامی باد. روح بزرگ و زیبای او قرین رحمت خداوند باشد.»

پیام تسلیت هرضیه برومند در پی درگذشت دنیا فنی زاده :

«در روزگار سرآسمیگی و بی‌حوالگی، جانهای مهربانی هستند که مادرانه، به دنیای کودکان می‌اندیشنند و نگران آرزوهایی هستند که در دل کودکان شعله می‌کشد. تصور دنیای کودکان بی‌نگاه مهربان و کیمیای بی‌بدیل آن‌ها چه تصور غمگینی است. غیبت غمگین «دنیا فنی زاده» را به عروسکها، به کودکان و به دوستان کودکان تسلیت عرض می‌نمایم. او جان مهربان خود را در کالبد عروسکهایی باقی می‌گذارد که با آنها زیسته‌ایم و خواهیم زیست. با همه دل و جان به او بگوییم: خدا حافظ دوست مهربان عروسکها.»





" عروسک گردان ها روح اصلی عروسک اند "

حهید مدرسی (تهییه گمنده مجموعه کلاه قرمزی)

عروسک گردان ها همیشه گمنام اند . کسی که جلوی دوربین است ، دیده می شود ، ما آقای مجری را می بینیم ، صدا آقای جبلی ، محمد بحرانی ، محمد رضا هدایتی ، احسان کرمی و ... را می شنویم و عروسک ها را تشخیص می دهیم ولی عروسک گردان ها که روح اصلی حرکت شان هستند ، دیده نمی شوند مگر اینکه در تیتر از بخوانید که چه کسی آن ها را گردانده است . در حوزه‌ی هنر عروسک گردانها خیلی مهجورند .

رفتن دنیا فنی زاده خیلی به سوژه‌ی کلاه قرمزی لطمه وارد می کند . نمی دانیم چه کسی قرار است کلاه قرمزی را بگرداند یا با رفتن او ، صدای جبلی همان صدا می شود یا نه . همه‌ی هنر دو تا چهار تای ریاضی نیست . ارتباط گروه و کلاه قرمزی ارتباطی حاصل رفاقت و هم نشینی است .

اصل اینکه کلاه قرمزی معروف شد ، این بود که به یک عروسک گردان ، به یک صدا و در مجموع به یک گروه اطمینان شد . حالا سردهسته‌ی این گروه رفته است و نگران پرتوی ای هستیم که همیشه رکورد بیننده را داشته و شادی و خوشی را برای سه نسل از بچه‌ها و خانواده‌ها آورده است .

بعد از همه‌ی این سال‌ها برای اولین بار دست فرد دیگری در عروسک کلاه قرمزی می رود تا او را حرکت دهد . حس بدی است . به خصوص برای بچه‌های گروه که روی صحنه هستند جای یک نفر خالی است ، جای آدم مهمی هم خالی است . دنیا فنی زاده عاشق کلاه قرمزی بود و امیدوارم براساس وصیت او بتوانیم کلاه قرمزی را با کمترین لطمه داشته باشیم و از کیفیت حرکت این عروسک که بخش خیلی مهمی است و دیده می شود ، کم نشود . فقدان دنیا فنی زاده فقط برای سوژه کلاه قرمزی نیست ، فقدانش برای حوزه کودک است .

دنیا فنی زاده از نظر شخصیتی دختر بی نظیر بود و گمنام مرد . بی کمک ، در تنها یی ، با یک درد یکی از تلخ ترین روزهای کلاه قرمزی در ۲۰ سال اخیر در بهشت زهراء سر خاک دنیا بود . این روزها برای همه‌ی گذرد و لی بعید می دانم یادمان برود . همه‌ی گروه کلاه قرمزی عزیزند ولی دنیا قدمت و سابقه اش از همه بیشتر بود . از روز اولی که کلاه قرمزی متولد شد تا الان ، دنیا فنی زاده بود . ما باید به خوبی و خوشی از او یاد کنیم نه با تلخی چون ذات و پیغام برنامه کلاه قرمزی در همه‌ی این سال‌ها برای مردم خوشی بوده است .



" معصوم و کودکانه "

مجید قناد (کارگردان و مجری)

خدایا نمی توان فراموش کرد کسی را که با تمام وجود و با تمام احساس به عروسک ها جان میداد . از "هادی و هدی" برای کودکان دهه شصت تا "کلاه قرمزی" که خاطره فراموش نشدنی کودکان امروز و دیروز است . نمی شود برای کودکان کار کرد و معصوم و کودکانه نبود . دنیای عزیز جانشین به حق پدری هنرمند بود و برای همیشه دنیای مردم ایران خواهد ماند .

دنیا فنی زاده روحت شاد

مادر بزرگم می گفت : هر وقت ستاره ای پر نور می شود ، یک بچه به دنیا می آید و هر گاه ستاره ای سقوط می کند ، آدمی می میرد ...

باورم نمی شود که ستاره دنیا سقوط کرده باشد !
باورم نمی شود که دنیا تبدیل به خاطره شده باشد ! ...

بزرگترین لذت زندگی داشتن دوست خوب است .
دنیا دوست جوان و شاد و عزیز من بود . همیشه از دیدنش و بودن با او لذت می بردم . حتی آخرین روزی که دیدمش وحال خوشی نداشت . باز فراوان خندید و شوخی کرد ...

دنیا هنرمندی بود که در جریان خلاقیت غوطه می خورد و شناور بود ...

دنیا دیگر نیست ، ولی جای پایش برای همیشه در تاریخ هنر عروسکی ایران نقش بسته است .



" صدای زندگی "

ذگار استخراج (عروسک گردان و صدای پیشنهاد)

دنیا جانم سلام

حالا، حالت چطور است؟

می دانم که آرامی ، بی درد و بی هیچ نگرانی - دیگر تمام شد .

باید حالت خوب باشد ، تو رسالت ات را به انجام رساندي .

با اینکه کوتاه کنارهان بودی ، اما دستهای تا ابد صدای زندگی کودکان این سرزمهین خواهد بود .

قدر خوش اقبال بودم که این چند سال کنار تو آموختم . حتی تماشای تو ، مدرسه بود . وقتی نگاهت می کردم که چطور با عشق و شور ، بی هیچ تکبر و غروری و با تمام توان کار می کنی ، با خودم می گفتم ، مگر می شود یک نفر انقدر عاشق باشد ؟

وارد که می شدی ، همه جا پر می شد از حضور تو - معلوم بودی ، انرژی ات همه جا بود و افسوس ... روزهایی که درد داشتی و گوشه ای آرام بودی باز هم همه جا پر می شد از دردی که صبورانه به دوش می کشیدی .

تو برای من سمبل امید و تلاشی، یک مادر واقعی و یک هنرمند متواضع و جاودانه - می دانم با لبخندت نگاهمان می کنی اما الان اصلا وقت رفتن نبود.



"حال این روزهای ما ..."

هومن حاجی عبدالالمهی (صدایشه و بازیگر)

سلام بانو جان

به سلامت رسیدید ؟

آب و هوا چطور است ؟

خوش به حالتان

اینجا که هوای همه چیز آلوده است !

حیف که دیدارمان افتاد به قیامت .

اولین باری که شما را دیدم سال ۸۵ در استودیوی "رنگین کمان" عروسک ننه جون را جان می دادید ، آنجا با آب و تاب برایتان گفتم که چقدر افتخار است که آدم فرزند پرویز خان باشد ، اسطوره‌ی بازیگری برای من جوان تازه کار و شما هم با همان متانت همیشگی ولبخند تشكركردید .

از آن روز به بعد خبرهای خوبی از شما نشنیدم ، جسارت نشود ، حالتان را می گویم .

راستی ... به شما رسیدگی شد ؟ راضی بودید از اینجا و آدم هایش ؟ یا واگذار کردید به خدا ؟

البته تا توانستیم برای سفر شما پست ها و عکس های مختلف گذاشتیم تا در مسابقه‌ی نزدیکترین دوست دنیا نفر اول شویم .

و فکر می کنم شما از آن بالا با همان متانت ، لبخند همیشگی را برلب داشتید.

باید هم بخندید .

چون حال شما خوب است ؛

اما حال ما ...



"برای دستانی که آینده نسل مرا ساخت"

الناز امیر خانی (خبرنگار و عکاس)

یکی از زیباترین خاطرات کودکی ام برمی گردد به زمانی که همراه مادرم برای دیدن فیلم سینمایی "کلاه قرمزی و پسرخاله" به سینما رفتیم . زمانی که دخترکی بازیگوش بودم و پاهای کوچکم از صندلی سینما آویزان بود و با تلاش های بسیار من شاید به زمین می رسید . زمانی که در دنیای پرهیجان و دوست داشتنی کلاه قرمزی غرق شده بودم و ترانه‌ی معروف فیلم تا مدت ها ورد زبانم بود (آقای راننده، آقای راننده ، یالا بازار تو دنده ، می خوام برم به تهرون ، می خوام برم تلویزیون ...)

آن روز نمی دانستم چه چیزی به عروسک مورد علاقه ام جان می دهد و او را برایم واقعی جلوه می دهد . نمی دانستم دستان چه کسی در حال ساختن آینده هم نسلان من است . اما امروز که دیگر به گمان خودم بزرگ شده ام ، می دانم کلاه قرمزی بدون گرمای دستان او نمی شد آنچه هست . بدون دستان دنیا ، دنیا فنی زاده‌ی عزیز .

وقتی نام فنی زاده به گوشمان می خورد ، اول از هر چیز به یاد پرویز فنی زاده می افتم . بازیگر تئاتر ، سینما و تلویزیون که در ۴۲ سالگی از دنیا رفت . اما از خود دنیایی را به یادگار گذاشت تا نام فنی زاده پس از او نیز همچنان در خاطره‌ها بماند .

دنیا فنی زاده در آبان ماه سال ۴۶ پا به این جهان گذاشت . به خاطر شغل پدر ، از کودکی با تئاتر و سینما آشنا شد و در همان دوران با حضور در جشنواره‌های مختلف وارد دنیای عروسک ها شد . هر چه بزرگتر می شد علاقه اش به آثار عروسکی هم بیشتر می شد تا آنکه با انتخاب رشته‌ی عروسک گردانی تصمیم گرفت برای همیشه در دنیای کودکان باقی بماند و خاطره ساز نسل های مختلف شود .

برای اولین بار ۱۸ ساله بود که در یک برنامه عروسکی تلویزیونی به نام "چتر با آواز باران" عروسک گردانی را تجربه کرد . به دنبال آن در کاری با نام "زاغچه کنجکاو" به کارگردانی رضا فیاضی حضور پیدا کرد . در این زمان با حضور در برنامه های تلویزیونی مختلف توانست توانایی اش را به عنوان عروسک گردان ثابت کند و تبدیل به یکی از بهترین گزینه ها برای کارگردان های عروسکی شود . عروسک گردانی در آثاری چون "گربه آواز خوان" ساخته کامبوزیا پرتوی ، "هادی و هدی" به کارگردانی اردشیر کشاورزی از دیگر آثار او در این دوران می باشد .

اما همه‌ی این‌ها مربوط به قبل از تولد کلاه قرمزی است. کلاه قرمزی برای اولین بار در سال ۷۳ یعنی زمانی که دنیا ۲۷ ساله بود، با برنامه‌ای به نام "صندوق پست" وارد تلویزیون شد و از همان ابتدا دنیا بود که به کلاه قرمزی جان بخشید و او را عروسک محبوب بچه‌ها کرد. محبوبیتی به مدت ۲۲ سال.

و همین سال ۷۳ بود که فیلم سینمایی "کلاه قرمزی و پسرخاله" برای اولین بار اکران شد و یکی از زیباترین خاطرات کودکی من را ساخت. اما دستان دنیا تنها خاطرات کودکی ام را نساخته است بلکه از دیروز تا امروز با نسل من همراه بوده است. کلاه قرمزی با نسل من بزرگ شد و در این چند سال اخیر هم با برنامه‌هایی که در اعیاد مختلف پخش می‌شد، می‌توانست من را تبدیل به دخترک بازیگوش سال‌های دور کند که برای شروع شدن برنامه‌ی آقای مجری لحظه شماری می‌کند تا کلاه قرمزی بباید و لبخند را بر لبانم بنشاند، لبانی که شاید امروز سخت تر از گذشته به خنده وا می‌شوند اما دستان دنیا این بار هم می‌تواند به خوبی از پس وظیفه‌ای که بر عهده دارد برآید، گرچه خود درد می‌کشد و از بیماری خسته است اما به عشق کودکان درد را تحمل می‌کند و با این غول بدخیم می‌جنگد.

نمی‌دانم دقیقاً چه روزی بود و یا کدام عروسک را جان می‌داد، اما حدوداً ۱۰ سال پیش بود که برای اولین بار درد در دستانش پیچید. هیولا‌یی زشت که با تمام قوا وارد میدان شده بود تا دنیا را به زمین بزند اما حریف خود را نمی‌شناخت و نمی‌دانست دنیا چگونه مبارزی است. او به عشق کودکان سرزمینش هیچگاه از مبارزه خسته نشد حتی زمانی که دست راستش اسیر شد، با دست چپ به میدان آمد و این بار با دست چپ به کلاه قرمزی جان داد و او را به حرکت واداشت.

اما ...

گاهی هر چقدر هم مبارز خوبی باشی، ممکن است حریف از تو قدر تمدن‌تر باشد و تو را زمینگیر کند. در این میان مهم این است که تا آخرین نفس جنگیده باشی و هیچگاه مایوس نشده باشی. دنیا اینگونه بود. مبارزی شجاع که ۱۰ سال جنگید و هیچگاه لبخند از لبانش کنار نرفت. لبخندی که برای همیشه در خاطره ما خواهد ماند.

عروسک گردن این‌ها شاید هیچگاه دیده نشوند و کسی چهره‌ی آن‌ها را نشناسد اما همه‌ی آن‌ها با عروسک‌هایی که بخشی از روح خود را در آن‌ها می‌دمند، شناخته و ماندگار می‌شوند.

شاید بسیاری از مردم کوچه و بازار نام دنیا فنی زاده را نشنیده باشند اما همه‌ی آن‌ها کلاه قرمزی را می‌شناسند و برای دستانی که آن را به حرکت وا می‌داشتند، احترام قائل اند. نمونه‌ی آن را زمانی دیدم که نهم دی ماه برای تشییع زنده یاد دنیا فنی زاده راهی خانه سینما بودم. راننده تاکسی زمانی که فهمید می‌خواهم به خانه سینما بروم، گفت "برای تشییع همان خانمی که کلاه قرمزی را حرکت می‌داد، می‌روید؟" گفتم آری و در دل آهی کشیدم که کاش هنوز دستانش بود و کلاه قرمزی و ما را تنها نمی‌گذاشت تا بتواند برای فرزندان نسل بعد هم همچون نسل من خاطره بیافریند.



"جادوی شجاعت، لبخند و امید"

محمد رضا مالکی (عروسک گردن و بازیگر)

: سلام ، من ... من ...

: سلام دنیا ، بالآخره رسیدی این بالا .

: چی ؟ تو واقعا جواب من و دادی ؟! تو میدونستی اسم من دنیاست ؟

: از همون موقعی که به دنیا امدی ، مگه تو هیچ وقت من و ندیدی که از پنجره اتاقت سرک می کشیدم ؟

: یعنی تو حواست به من بود ؟

: من حواسم به همه هست حتی وقتی که خوابیدن .

: پس می خوای بگی میدونی چرا امدم اینجا ؟

: می دونم .

: پس می دونی چرا نمی خوام فردا بیاد .

: فردا نیاد ؟ داری شوخی می کنی !

: تو خودت گفتی از همه چیز خبر داری . راستی اگه فردا نیاد اگه خورشید درنیاد چه بلایی سر گلدونم
میاد ؟

: گلدون تو احتیاج به نور خورشید داره . اون میخواد که فردا بیاد میخواد که خورشید دربیاد تا بتونه
رشد کنه . اون گل کوچیک به فردا امید داره .

: دیگه خندیدن برام سخت شده .

: حالا دیگه هیچی برات سخت نیست .

: من نمیخوام گلدونم از بین بره .

: حالا چشمات رو ببند تا برات قصه دنیای واقعی رو تعریف کنم . دنیایی که فردا صبح از خواب بیدار میشه دختر شجاعیه ، چون من دیدم که از بیماریش نترسید . دنیایی که فردا صبح از خواب بیدار میشه دختر شادیه چون من دیدم تو شبی که امیدی به فردا نداشت تونست یه عالمه آدم رو بخندونه و دلشون رو شاد کنه . دنیایی که فردا صبح از خواب بیدار میشه عاشق نور خورشیده چون حالا یه گل تو گلدونش داره که میخواد بهش آب بده تا زیر نور خورشید قدر بکشه و بلند بشه .

حالا از امشب به بعد دنیا سه تا جادو بلده که میخواد به اونایی که مثل خودش بودن یاد بده تا با بیماریشون بجنگن .

اون جادوها سه کلمه هستن :

شجاعت _ لبخند _ امید .





"از رویای کودکی تا خاطرات خوش همکاری"

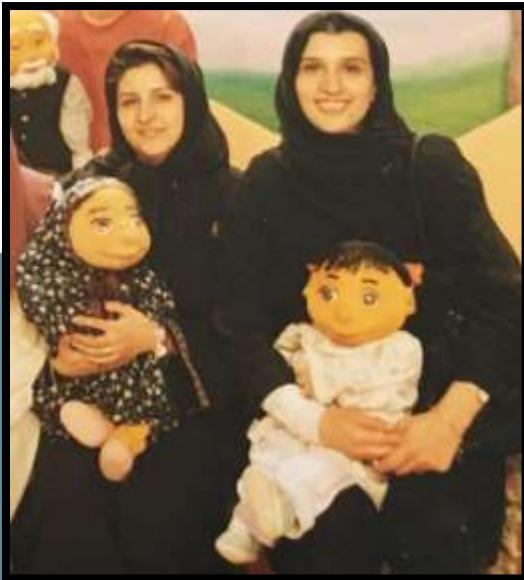
بندهشنه صهدی (عروسک گردن و بازیگر)

بانوی مهربان ، دنیای تکرار نشدنی ، این روزها همه خاطرات سال های همکاری مان را ورق می زنم ، حافظه ام را به چالش کشیدم که مبادا تکه ای از آن لحظات شیرین در کنار هم بودن را گم کنم .

ما روزهای بسیاری در کنار هم عروسک ها را زنده کردیم و من به تماشای همه آن حس های ناب و کودکانه ای که استادانه به کلاه قرمزی منتقل می کردی . عروسکی که همه ی هم نسلان ما که حالا افتخار همراهیش را پیدا کرده بودیم ، روزگاری همه رویای کودکی مان بود . همان روزها بود که آرزو کردم روزی عضوی از خانواده محبوب کلاه قرمزی باشم و خدا را شاکرم که به این آرزو رسیدم .

حالا با رفتن گویی کسی کودکی مرا با خود می برد . یادت همیشه با ماست ، جایت همیشه خالیست و هیچ حقیقتی روشن تر از این نیست که ایران استعدادی بی جایگزین را از دست داد . استعدادی که حس سر انگشتانش به قلب کودکان متصل بود و روح شادباش می دمید .





" تنها صدا نیست که می ماند "

فروزان زاهد بیگی (صداپیشه)

دنیا جان

تو به ما نشان دادی تنها صدا نیست که می ماند .
این صدا نبود که ماندگار شد ، تو بودی که به
صدای ما جان دادی ، به وسعت نام زیبایت
"دنیا"

به امید دیدار

همکارم ، دوستم ، عزیزم



"هرگز نمیرد هر آنکه زنده شد به عشق "

محمد لقمانیان (عروسک گردان)

خانم فنی زاده ای مهربان ، با شروع برنامه کلاه قرمزی ، شادرتر از همه ای ما بودند و با پایان برنامه ، غمگین تر و ناراحت تر از همه .

در تمام عکس های یادگاری آخر پروژه ، تنها همکاری که گونه هایش خیس بود و چشمانش غمبار و سرخ ، خانم فنی زاده بود .

تنها کسی بود که با عروسکش می خندید و با همو گریه می کرد .

تنها کسی بود که وقتی درد داشت ، به شدت و بهتر از همه کار می کرد ...

تنها کسی بود که وقتی از عروسکش جدا می شد ، موها یش را شانه می کرد و آن را می بوسید و درآغوش می گرفت و با او خداحافظی می کرد ...

من از او به غیر از عشق و عشق و عشق دیگر چیزی ندیدم ...

هرگز نمیرد هر آنکه زنده شد به عشق .



"خنده هایی که به عروسک ها جان می داد"

الکا هدایت (عروسک گردان)

دنیا جانم .

حالا هم من را می خندانی ؟

سرم پر است از صدای خنده هایت . دیروز در مراسم خاکسپاری ات من لابه لای صدای گریه های دوستان صدای خنده های تو را می شنیدم . شادی پورمهدی داشت از تو می گفت و حاضران سوگواری می کردند و من یاد آن روز ها بودم که با شادی سر به سرم می گذاشتید !

یادت هست ؟ نوجوان بودم . پایین دکور می نشستم و فقط برای اینکه نشان دهم من هم کاری بلدم دفتر و مداد هایم را پخش زمین می کردم و نقاشی های مسخره می کشیدم ! یادت هست با شادی پورمهدی می خندیدید و می گفتید "باز عین فالگیرها او مد بساطش رو پهن کرد اینجا" ؟ دیروز که همه با دماغ های پف کرده و قرمز گریه می کردیم من به این فکر می کردم که اگر بودی ادای گریه کردن تک تکمان را در می آوردی و ما از خنده پخش زمین می شدیم . باور کن چند بار از دست شوختی هایت نزدیک بود وسط مراسم خاکسپاری بخندم .

دنیا جانم خنده های تو پاک شدنی نیست .

این خنده ها به جسم همه می عروسک هایت روح داده است . عروسک هایت خنده هایت را در دل هایشان نگاه خواهند داشت . کاش من هم بتوانم مانند عروسک ها خنده های شیرین و به یادماندنی ات را در دلم نگاه دارم .



"دسته‌انی هملو از روح ایثارگری"



آزاده مویدی فرد (صداپیشه و بازیگر)

به نام خالق دست ها

دست می تواند سلام کند ، دست می تواند بردارد ، دست می تواند بگذارد ، دست می تواند گرمی احساسی را در جان آدمی زنده کند ، دست می تواند نوازش کند ، دست می تواند آغوشی گرم بسازد و دست می تواند خداحافظی کند ، اما دستی هم هست که بی هیچ چشم داشتی می تواند جسم بی روحی را چنان زنده کند که در دل و جان ملتی بشیند ! این دستان دنیا فنی زاده و همکاران ایثارگر اوست که بی منت دیده نشدن در هنر را انتخاب کردند تا ما روحی که در جانمان می نشیند را باور کنیم .

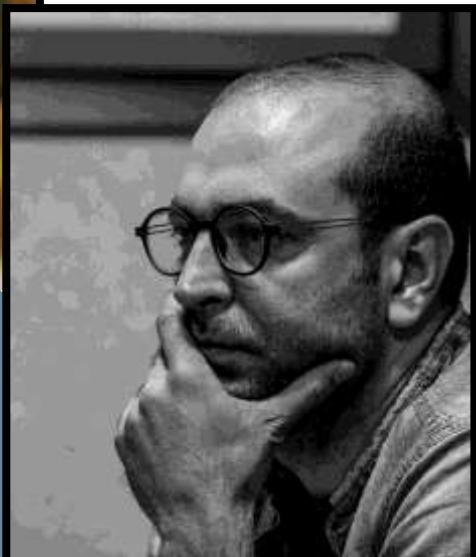
اولین خاطره ام از بانو دنیا فنی زاده ، برمهی گردد به روزهایی که هنوز افتخار همکاری با ایشان را نداشتم . (فیلم سینمایی کلاه قرمزی و پسر خاله) صحنه ای که کلاه قرمزی روی کاپوت ماشین با اون گل رز و چکمه سبز از بی محلی آقای مجری یه جوری سرش رو پایین انداخت که بی اختیار قلبم لرزید و اشکم جاری شد .

اون روز فهمیدم یک حرکت کوچیک عروسک چقدر می تونه تاثیرگذار باشه . اون حرکت تو دست های توانبخش بانوی بسیار عزیز و هنرمندی بود که سال ها بعد افتخار همکاری با ایشان را پیدا کردم . افتخار این مهم که صدای عروسکی را صداپیشگی کنم که همان دست زنده اش می کرد .

گربه سفید زیبایی به نام "تردک" در کاری به کارگردانی مرحوم اردشیر کشاورزی .

وقتی از نزدیک دیدمشان و با هم کار کردیم ، با تمام قلبم متوجه شدم که پشت این دستان توانا و هنرمند ، روح ایثارگری در جان بخشیدن به عروسک موج می زند ، همان روح بزرگی که سال ها قبل ، توانسته بود بی اختیار اشک مرا دربیاورد .

"دنیا فنی زاده" انسان ویژه ای بود با دست هایی به تاثیرگذاری کودکی یک ایران !
جای او در جهان خالی خواهد ماند .



"غرض نقشی است کز ما باز ماند"

مهران نائل (صدایپیشه و بازیگر)

معماری مسجد جامع اصفهان حیرت انگیز است . من آنرا خیلی دوست دارم . اما فارغ از همه‌ی زیبایی‌هایش نکته‌ی جذابی در گوشه‌ای از این مسجد وجود دارد . این نکته‌ی جذاب را در ایوان غربی مسجد جامع یافتم . در آن صحن ، کاشیکاری ای با شعری از سعدی شیرازی وجود دارد که با ظرافت تمام در لابلای طرح‌های اسلیمی حک شده است . شعر این است :

غرض نقشی است کز ما باز ماند / که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحبدلی روزی به رحمت / کند در حق مسکینان دعاوی

این شعر را کاشی کار ، بدون ذکر نام خود بر روی کتیبه آورده است . یعنی اثرش هست و اثری از نام خالقش نیست . از زیبایی اثر حظ میبری ولی نمیدانی چه کسی آنرا ساخته است . خود در اثرش فنا شده . تنها می‌خواسته نقشی از او بر روی زمین باقی بماند . در دنیایی که دنیای "باقی" نیست او تنها به این بسنده می‌کند که روزی "صاحب دلی" بعد از دیدن اثرش ، دعاوی در حقش کند .

از نگاه من ، این بینش حیرت انگیز و حسرت برانگیز است . این بی نیازی هنرمند به اثبات خودش . اینکه هنر یکدانه و دردانه ای خلق کنی و دغدغه ات اثرت باشد ، نه خودت . بخصوص در دنیای امروز که "منی" بر "معنا" غلبه‌ی حداکثری دارد .

برای من "دنیا فنی زاده" مصدق این شعر و آن کاشی کار است . اثر هنری اش زبانزد خُرد و کلان بود ولی نامی از خودش نبود . به گمانم خیلی باید انسان بزرگی باشی تا در این روزگار بتوانی اینگونه زندگی و کار هنری کنی . زنده باد منشِ کار و زندگی اش .

خانم دنیا فنی زاده ، می‌گویند دعای کودکان گیرایی بدرقه‌ی راه تان است . دعای کودکان دیروز و کودکان امروز و ...

گوارای وجودتان ... خدا برای ما هم قسمت کند اینگونه "بودن" و اینگونه "رفتن" را .



" افسانه‌ای متعهد و دوست داشتنی "

علیرضا ناصحی (صدای پیشه و بازیگر)

خانم دنیا فنی زاده انسان بسیار بزرگ و طنازی بودند . عروسکی را که می گردانند بسیار دوست می داشتند و این را به تک تک کسانی که با عروسک کار می کنند ، یاد می دادند و همیشه می گفتند عروسکتان را دوست داشته باشید . وقتی کلاه قرمزی یا عروسک های دیگر را می گردانند ، عروسک تکه ای از وجودشان بود .

این واقعیت وجود دارد هنرمندانی هستند که دیده نمی شوند . در جامعه ما هنرمندان بسیاری هستند که مشهور نیستند و خیلی ها آنها را نمی شناسند ولی کارهای خیلی بزرگی انجام می دهند که بعدها آدم می فهمد . در موسیقی ، دنیای عروسکی ، تئاتر و سینما چنین آدم هایی وجود دارند که خانم فنی زاده هم جزو این دسته بودند .

خانم فنی زاده همانند پدرشان به شدت دوست داشتنی و طناز بودند و به همین خاطر همه ایشان را دوست می داشتند و اگر کسی تنها یکبار ایشان را دیده باشد ، این خاطره در ذهنش نقش بسته که ایشان چقدر مهربان و عالی بودند .

خانم فنی زاده نماینده دوستان عزیزی هستند که در بخش عروسکی فعالیت می کنند و الان چند سالی است که عروسک دوباره توجه خیلی ها را به خود جلب کرده است . امیدوارم توجه بیشتری به گوینده های عروسک و عروسک گردان ها شود .

خانم فنی زاده به عروسکی که با آن کار می کرد ، بسیار متعهد بودند ، چون تکه ای از وجودش را در آن عروسک می دمید . دنیا فنی زاده این درس را به همه ما داد که مقداری نسبت به اثر هنری مان متعصب تر باشیم .

" پس از فوت زنده یاد دنیا فنی زاده دوستداران و علاقمندان به او و کلاه قرمزی اندوه خود را از این اتفاق با طرحی های گرافیکی مختلف در شبکه های مجازی به اشتراک گذاشتند که مقاسفانه نامی از طراحان آن ها در دست نبود تا در اینجا ذکر شود . با تشکر از همه ی این عزیزان . "

